

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی مترجم: فریده نوری

قسمت هشتم

ای سفر کرده به معراج، به یادت هستم
ای گل پر پر من، چشم به راهت هستم
تو سفر کردی و آسوده شدی از دوران
من ماتم زده هر لحظه به یادت هستم



به ادامه گذشته:

به تعقیب اولسن استه (Olesen Asta) توماس برفیلد (Thomas Barfield) (2005 میلادی) دو نوع جهاد دفاعی را در افغانستان تشخیص داده است:

اولی توسط فتوی یکی از علما، و در اثر درخواست و تقاضای فرمانروا، جهت توجیه نمودن به بسیج سازی جنگجویان در مقابل یک تهدید بالای قلمرو مشروعیت داده می شود: جهاد اولی: در هنگام جنگ سوم افغان - انگلیس که به استقلال کشور انجامید.

جهاد دومی: این یک نمونه است که توسط روحانیون، ملاها و علما علیه کافران، یا در صورت تشخیص خطر برای دین اعلان می شود، و یا علیه فرمانروایانی که مطابق میل توسعه طلبی و گسترش خارجی ها عمل کنند.

این حالت دوم به دو جنگ اول و دوم افغان - انگلیس (1839 - 1842 میلادی) و (1878 - 1881 میلادی) و همچنان جهاد علیه شوروی (1979 - 1989 میلادی) و بالاخره جهاد علیه حضور قوت های ناتو از مارچ 2002 میلادی مطابقت دارد. تداوم مودل عبور به یک عمل دسته جمعی مرکزی بالای مفهوم جهاد برای برفیلد (Thomas Barfield) به طبیعت ساختار های سیاسی و اجتماعی، به ترتیب و قسمی که خود ترسیم می کند، از زمان به وجود آمدن دولت و در تمام دوران تحولات آن ها یکی به تعقیب دیگر شان.

در کشوری که اکثریت آن را دهات و قصبات تشکیل داده است و مردم آن سرکش و ایدیولوژی ها مانند (ایدیولوژی کمونیزم)، بالای شان تأثیر ناپذیر بوده و از خود مقاومت نشان می دهند.

پس یک رابطه بسیار مهم بین گروپ های اجتماعی و تصمیم گرفتن به فعالیت های دسته جمعی شان وجود دارد، بدون آن که ایدیولوژی در این تصامیم رول داشته باشد، و گرفتن تصامیم به فعالیت های دسته جمعی نظر به منافع می باشد، نه به دلیل ایدیولوژیکی. به طور مثال ملحق شدن با طالبان در سال 1994 میلادی و دوباره رها نمودن طالبان در سال 2002 میلادی.. (توماس برفیلد، 2005, 236 Thomas Barfield).

برعلاوه در یک کشور «عمیقاً اسلامی» که عقاید مذهبی در رفتار روزمره زندگی مردم دخیل می باشد به این ترتیب تمام مداخلات نظامی خارجی نظر به تهدیدی که ارزش ها و عقاید مردم را تحت تأثیر و فشار قرار بدهد، در آن صورت فراخوانی به جهاد سبب قیام و شورش مردمی می گردد.

ملا های قرن نزدهم میلادی مانند رهبران احزاب مقاومت علیه شوروی ها و همچنان برادران مسلح شان که در سال 2002 میلادی به اغتشاش پیوستند، در صورت اشغال خارجی کشور به تشکیل یک تحریک مانند بسیج شدن به جهاد دفاع ملی می گرایند.

فلهذا عبور به خشونت مسلحانه توجیه می گردد توسط تهدیدات بالای ارزش های اعتقاداتی مردم، و سلسله درگیری های مسلحانه از سال 1979 میلادی به این طرف، یک علت مهم تغییرات و تشکیلات دوباره ساختاری سیاسی و اجتماعی میراث رژیم سابقه می باشد.

در قسمت اول موضوع تحقیق، در رابطه بین ساختار های سیاسی - اجتماعی، بررسی چهار چوکات یا حدود درگیری در رابطه با ایدیولوژی به قسمی که در هنگام درگیری مسلحانه در سال 2002 میلادی روی کار آمد، بررسی می شود. این رابطه نامعلوم و غیر قابل پیشبینی می باشد، زیرا ایجاد یک پیوند جدید بین بازیگران در فردای عملیات های «آزادی پایدار» «Liberté immuable» و به راه انداختن یک جنگ آشوبگرانه بالای یک ساختاری سیاسی - اجتماعی که عمیقاً عوض شده است.

اغتشاش علیه دولت در یک محیط سیاسی و اجتماعی افغانی به قسمی که دوباره تشکیل گردیده است، از سال های 1990 میلادی به این طرف، چه مفهوم می تواند داشته باشد ؟

تحریک طالبان افغان در هنگام به وجود آمدن شان در سال 1990 میلادی، از دیگر احزاب مقاومت متفاوت بودند، زیرا طالبان دارای یک اصول اخلاقی (éthique) و یک عقیده بودند. این یک پدیده جدید در افغانستان است. (Chapite. 1)

در سال 2002 میلادی، تحریک طالبان با دیگر احزاب مقاومت ائتلاف نمودند، مخصوصاً با حزب اسلامی.

و این نشان دهنده تغییر در ایدیولوژی و اصول اخلاقی شان بود و دلیل این تغییرات برای گسترش فعالیت های شان بوده است. (Chapitre 2).

بالاخره تغییرات در ستراتیژی تحریک طالبان به دلیل ائتلاف های جدید شان با حزب اسلامی و القاعده، رونما و سبب اعمال خشونت بار گردیده، و این اعمال خشونت بار مسلحانه تعیین کننده تغییرات در ساختار اقتدار و تشکیل کننده محیط اغتشاشی و نشان دهنده تغییر در اقتدار می باشد. (Chapitre3).

ادامه دارد